

چرخش قدرت در نیویورک؛

پیامدهای جهانی پیروزی یک مسلمان مترقی



محسن شریف‌خدانی

تحلیلگر روابط بین‌الملل

زهرا ممدانی، نامزد دموکرات چپ‌گرای مسلمان که با شعارهای سوسیالیستی وارد رقابت انتخابات شهرداری نیویورک شده بود، در یک پیروزی تاریخی بر رقبای خود غلبه کرد. میزان مشارکت در این انتخابات از سال ۱۹۶۹ میلادی بی‌سابقه بود. انتخاب ممدانی به‌عنوان شهردار نیویورک، نه‌تنها یک تحول محلی در سیاست شهری آمریکا، بلکه نشانه‌ای از دگرگونی‌های عمیق در ساختار قدرت، گرایش‌های حزبی و روابط بین‌الملل ارزیابی می‌شود. این پیروزی، که در ابتدا غیرمحتمل به نظر می‌رسید، اکنون به‌عنوان نماد تغییرات اجتماعی، طبقاتی و فرهنگی در رسانه‌های معتبر جهانی تحلیل می‌شود. ممدانی، سیاست‌مدار جوان مسلمان و عضو شاخه مترقی حزب دموکرات، با شکست اندرو کومو، فرماندار سابق نیویورک، به‌عنوان صدوزدهمین شهردار این شهر انتخاب شد. او با شعارهایی مانند «مالیات بر میلیونرها»، «عدالت اجتماعی» و «مقابله با ترامپ»، توانست اعتماد طبقات متوسط، محروم و اقلیت‌های مهاجر را جلب کند.

رسانه‌هایی مانند واشنگتن پست و نیویورک تایمز این پیروزی را نتیجه افول نخبگان سنتی حزب دموکرات و ظهور نسل جدیدی از سیاست‌مداران عدالت‌محور دانسته‌اند. نیویورک تایمز با اشاره به پیشینه مهاجرتی ممدانی، این انتخاب را نقطه عطفی در تاریخ سیاسی نیویورک توصیف کرده و آن را نشانه‌ای از تغییر در اولویت‌های رأی‌دهندگان شهری دانسته است. در سطح بین‌المللی، رسانه‌هایی مانند گاردین، فارن‌افرز و فارن‌پالیسی این تحول را از زوایای مختلف بررسی کرده‌اند. گاردین این پیروزی را سرآغاز بازتعریف روابط آمریکا با خاورمیانه دانسته و نوشته است که انتخاب یک شهردار مسلمان با دیدگاه‌های مترقی، می‌تواند بر سیاست خارجی آمریکا در قبال فلسطین، ایران و جهان اسلام تأثیرگذار باشد.

یدیعوت آحارانوت، پرخواننده‌ترین رسانه عبری چاپ اسرائیل، با لحنی هشدارآمیز نوشت که انتخاب ممدانی، نشانه‌ای از کاهش حمایت سنتی آمریکا از اسرائیل است. او را چهره‌ای مسلمان با مواضع انتقادی درباره اسرائیل معرفی کرده و این پیروزی را «غیرمنتظره و نگران‌کننده» برای جامعه یهودی نیویورک دانسته است. در همین راستا، فارن‌افرز در مقاله‌ای با عنوان «شهروندان علیه ساختار»، پیروزی ممدانی را بخشی از روند جهانی «شورش علیه نخبگان» معرفی کرده و آن را با تحولات مشابه در فرانسه، هند و آمریکای لاتین مقایسه کرده است. فارن‌پالیسی نیز هشدار داده که این پیروزی می‌تواند به تشدید شکاف درون حزب دموکرات منجر شود، زیرا چهره‌هایسی مانند ممدانی با مواضع ضد سرمایه‌داری و ضد صهیونیستی، فاصله زیادی با جریان‌های میانه‌رو دارند.

در سطح جهانی، رسانه‌های روسی مانند اسپوتنیک، این تحول را نشانه‌ای از افول نظم لیبرال آمریکایی دانسته‌اند و آن را با اعتراضات ضد نظام سرمایه‌داری در اروپا مقایسه کرده‌اند. رسانه‌های چینی نیز با لحنی محتاطانه، این پیروزی را نشانگر بحران مشروعیت در ساختار سیاسی آمریکا معرفی کرده‌اند. رسانه‌های فرانسوی مانند لوموند، آن را بازتابی از خیزش نسل جدیدی از سیاست‌مداران عدالت‌طلب دانسته‌اند که برخلاف جریان‌های سنتی، به مسائل اجتماعی و مهاجرتی توجه ویژه دارند. علاوه بر شهرداری نیویورک که مهم‌ترین این انتخابات‌ها لقب گرفته است، در نیوجرسی و ویرجینیا نیز دو زن دموکرات موفق شدند در انتخابات فرمانداری پیروز شوند و سکان هدایت دولت ایالتی را در دست بگیرند. در ایالت ویرجینیا، ایلک اسپنبرگر، نامزد حزب دموکرات، بر رقیب جمهوری‌خواه خود پیروز شد. در نیوجرسی نیز میک شریل، عضو کنگره و چهره‌ای میانه‌رو، در رقابتی که محور آن هزینه بالای زندگی بود و به طور گسترده به‌عنوان همه‌پرسی‌ای درباره عملکرد رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، تلقی می‌شد، بر جک چیتنلر، رقیب جمهوری‌خواه خود، غلبه کرد. این پیروزی‌های هم‌زمان، تصویری از تغییر آرایش قدرت در سطح ایالتی و محلی ارائه می‌دهند که می‌تواند پیامدهای ملی داشته باشد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در نخستین واکنش خود به این پیروزی، شکست جمهوری‌خواهان را به نبود نام خود در برگه رای و تعطیلی دولت نسبت داد. او در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» نوشت: «نیود نام من در برگه رای و تعطیلی دولت، طبق نظر تحلیلگران، دو دلیل اصلی شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات بودند». این اظهارات، که با لحنی تدافعی و هشدارآمیز مطرح شد، نشان‌دهنده نگرانی ترامپ از کاهش محبوبیت حزب جمهوری‌خواه در شهرهای بزرگ و در میان اقلیت‌هاست. او همچنین از جمهوری‌خواهان خواست سیاست تعلق را متوقف کنند و به تصویب قوانین و اصلاح نظام انتخاباتی بازگردند.

ترامپ همچنین پیش‌ازاین در یک مصاحبه تلویزیونی با شبکه سی‌بی‌اس که روز یکشنبه پخش شد، گفته بود: «این برای من به‌عنوان رئیس‌جمهور دشوار خواهد بود که بیول زیادی به نیویورک بدهم، چراکه وقتی شهر به دست یک کمونیست اداره شود، آن‌گاه شما همه پولی را که آنجا می‌فرستید، هدر می‌دهید».

تحلیلگران رسانه‌هایی مانند نیوزویک معتقدند که پیروزی ممدانی، همراه با شکست جمهوری‌خواهان در فرمانداری‌های ویرجینیا و نیوجرسی، می‌تواند به تغییر آرایش قدرت در کنگره در سال ۲۰۲۶ منجر شود. دموکرات‌ها با تکیه بر چهره‌های جوان، مهاجر و عدالت‌محور، در حال بازسازی پایگاه رای خود هستند؛ درحالی‌که جمهوری‌خواهان با بحران انسجام و پیام‌رسانی مواجه‌اند. دراین‌میان ترامپ که هم‌زمان با پرونده‌های قضائی و فشارهای رسانه‌ای روبه‌روست، ممکن است در انتخابات آینده با چالشی جدی از سوی درون حزب خود نیز مواجه شود. پیروزی زهران ممدانی را نمی‌توان صرفاً یک موفقیت انتخاباتی محلی دانست. این رویداد نشانه‌ای از دگرگونی‌های عمیق در سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده می‌تواند به شمار آید. در جهانی که شکاف‌های طبقاتی، بحران‌های زیست‌محیطی و بی‌اعتمادی به نخبگان سنتی در حال گسترش است، چهره‌هایی مانند ممدانی با کفتمان عدالت‌محور، ضد نژادپرستی و تمرکز بر معیشت، به نمادهای سیاسی آینده تبدیل می‌شوند. ترامپ، که زمانی با شعار «بازگرداندن عظمت به آمریکا» موجی از پوپولیسم راست‌گرا را در سراسر کشور به راه انداخت، اکنون با واقعیتی متفاوت روبه‌روست: پایگاه رای او در حال فرسایش است، به‌ویژه در میان رأی‌دهندگان مستقل، اقلیت‌ها، و نسل جوان.

عبدالرحمن فتح‌اللهی، به نظر می‌رسد که افول وزارت خارجه در ۴۴۴ روزی که عباس عراقچی سکادار سیاست خارجی شده است، همچنان ادامه دارد؛ تا جایی که باید اذعان کرد ضعیف‌ترین کارنامه دستگاه دیپلماسی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران و با اختلاف به دولت چهاردهم و شخص وزیرش (عراقچی) بازمی‌گردد. وزارت امور خارجه که روزگاری به‌عنوان نهاد تعادل‌ساز در معادلات قدرت و سیاست، نقشی تعیین‌کننده در تثبیت جایگاه بین‌المللی ایران ایفا می‌کرد، امروز بیش از هر زمان دیگری دچار رکود، انفعال و بی‌جهتی شده است. در شرایطی که کشور با بحرانی‌ترین وضعیت دیپلماتیک چند دهه اخیر، از پرونده هسته‌ای و فشارهای آژانس و شورای حکام تا تنش با آمریکا و اروپا، تحولات منطقه غرب آسیا، بیم جنک دوباره و دیگر بحران‌ها روبه‌روست، وزارت خارجه نه‌تنها ابتکار عملی در هیچ‌یک از این حوزه‌ها نداشته و ندارد، بلکه عملا به بازیگری منفعل بدل شده است که صرفاً به مدیریت روزمره بحران‌ها بسنده می‌کند.

عباس عراقچی که با سابقه‌ای طولانی در مذاکرات هسته‌ای به میدان آمد، انتظار می‌رفت با اتکا به تجربه خود بتواند ساختار وزارت خارجه را احیا کند و مسیر سیاست خارجی را از بن‌بست خارج سازد. با این حال، کارنامه یک‌سالو دوماهو ۱۷روزه‌اش نشان می‌دهد که نه در سطح تصمیم‌سازی، نه در سطح اجرا و نه در عرصه دیپلماسی عمومی، تحرک مؤثری از دستگاه سیاست خارجی مشاهده نمی‌شود. در واقع وزارت خارجه در دوره عراقچی به نهادی تبدیل شده که بیش از آنکه تصمیم‌ساز باشد، توجیه‌گر است؛ نه‌ادی که به جای تعریف راهکارها در سیاست خارجی، صرفاً در انتظار تصمیمات دیگر نهادها می‌ماند و نقش تاریخی خود در تولید فکر و راهبرد دیپلماتیک را از دست داده است.

در مقایسه تاریخی، کارنامه عراقچی در سطحی به مراتب پایین‌تر از بسیاری از پیشینیان او قرار می‌گیرد، حتی منوچهر متکی که در سال‌های پایانی دولت احمدی‌نژاد با انتقادهای فراوانی روبه‌رو بود، در مقایسه با عراقچی از انسجام بیشتری در هدایت سیاست خارجی برخوردار بود. از سوی دیگر، عملکرد مرحوم حسین امیرعبداللهیان نیز با وجود همه چالش‌ها و انتقادهای، بر پایه نوعی ثبات رفتاری و دیپلماسی فعال منطقه‌ای استوار بود، درحالی‌که وزارت خارجه کنونی به گونه‌ای آشکار از فقدان راهبرد منسجم، تیم کارآمد و ارتباط مؤثر با سایر ارکان تصمیم‌سازی رنج می‌برد.

فرار رو به جلو با یک طرح خام

یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف سیاست خارجی دولت چهاردهم در دوره وزارت عباس عراقچی، نه در حوزه روابط خارجی و نه حتی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی، بلکه در درک مفهومی از مأموریت دستگاه دیپلماسی نهفته است. درحالی‌که انتظار می‌رفت عراقچی پس از سال‌ها حضور در مذاکرات پیچیده بین‌المللی و آشنایی با سازوکار سیاست جهانی، به بازسازی اقتدار وزارت امور خارجه و بازتعریف نقش ایران در معادلات منطقه‌ای بپردازد، امروز شاهد ابتکارهایی هستیم که نه‌تنها کمکی به ارتقای جایگاه دیپلماسی کشور نمی‌کند، بلکه آن را در مسیر انحرافی و پرخرف قرار می‌دهد. یکی از این ابتکارهای بحث‌برانگیز، طرح موسوم به «دیپلماسی استانی» است؛ ایده‌ای با پایه‌ایخته که بیش از آنکه نشانه نبوغ دیپلماتیک باشد، بازتاب نوعی سردرگمی مبدیتی است. در گزارش‌ها و تحلیل‌های پیشین «شرق»، با اشراف به دو مؤلفه کلیدی «ساختار/کارگزار» و نیز «شرایط بحرانی منطقه پس از هفتم اکتبر»، کارنامه وزارت خارجه دولت چهاردهم مورد بررسی قرار گرفته بود، اما حتی به لحاظ این دو عامل نیز، ضعف آشکار سیاست خارجی کنونی توجیه‌پذیر نیست. آنچه امروز بیش از هر چیز نگرانی می‌آفریند، به حاشیه راندن بن‌بست در سیاست خارجی با ورود مستقیم وزیر خارجه به عرصه‌هایی است که ذاتاً خارج از حیطه صلاحیت وزارتخانه‌اش محسوب می‌شود.

عراقچی طی ماه‌های اخیر با سفرهای مکرر به استان‌های ایالتی و محلی ارائه می‌دهند که می‌تواند پیامدهای ملی داشته باشد. مختلف و برگزاری نشست‌هایی تحت عنوان «دیپلماسی استانی» کوشیده تا چهره‌ای فعال و میدانی از خود ارائه دهد. اما درواقع این اقدام نوعی خداحت ساختاری در امور وزارتخانه‌های دیگر، ازجمله وزارت کشور، وزارت اقتصاد و وزارت صمت است. در ساختار حاکمیتی ایران، سیاست خارجی امری تمرکزنافته و ملی است، نه منطقه‌ای یا استانی، بنابراین وزیر امور خارجه، مطابق مأموریت تعریف‌شده خود، مسئول تنظیم روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران است، نه ساماندهی روابط داخلی و محلی با استان‌ها. اگر به گفته خود طراحان «دیپلماسی استانی» حتی هدف در نهایت بهره‌گیری از ظرفیت‌های استانی برای تعامل اقتصادی با همسایگان است، این مأموریت باید از مسیرهای تخصصی و با هماهنگی دستگاه‌های ذیربط پیش برود؛ مثلاً وزارت اقتصاد و جهاد کشاورزی در زمینه صادرات، وزارت کشور در حوزه مرزها و اتاق بازرگانی در بخش خصوصی. ورود مستقیم وزیر خارجه به این سطح از فعالیت‌های محلی، نه‌تنها موجب موازی‌کاری می‌شود، بلکه خطر «جزیره‌ای شدن تصمیمات» در سیاست خارجی را افزایش می‌دهد؛ خطری که در گذشته بارها تجربه شده و نتایج پرهزینه‌ای به بار آورده است. هم‌اکنون هم نهادهایی که خود را متولی دخالت در سیاست خارجی می‌دانند، کم نیستند و دراین‌بین دیپلماسی استانی هم فضایی ایجاد می‌کند تا علاوه بر جزیره‌ای‌شدن و تصمیم‌گیری موازی، حلقه‌های قدرت استانی در نقاط حساس شکل بگیرد که در عمل به فدرالیزه‌شدن کشور منجر می‌شود.

ایده «دیپلماسی استانی» در ظاهر با هدف تمرکززدایی از سیاست خارجی و استفاده از ظرفیت‌های بومی برای تقویت دیپلماسی اقتصادی تعریف شده است. اما درواقع سیاست خارجی به طور ذاتی نیازمند تمرکز، انسجام و فرماندهی واحد است. وزارت بخشی از آن به سطح استان‌ها، به‌ویژه در کشوری با تنوع قومی و مذهبی بالا، می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای داشته باشد.

بنابراین هرگونه تعامل اقتصادی با فرهنگی گسترده بدون نظارت متمرکز دولت مرکزی، ممکن است به نفوذ نرم یا حتی سیاسی بازیگران منطقه‌ای بینجامد. نمونه‌های تاریخی متعددی از بهره‌گیری کشورهای مانند ترکیه، جمهوری آذربایجان یا



برخی دولت‌های عربی از این پیوندهای قومی برای تأثیرگذاری در مناطق مرزی ایران وجود دارد. حتی در کشورهای فدرال نیز سیاست خارجی و دفاع ملی، کاملاً در انحصار دولت مرکزی است و دولت‌های ایالتی با محلی حق ورود به عرصه مذاکرات خارجی را ندارند. حال، چگونه می‌توان انتظار داشت که در ساختار سیاسی واحد ایران، استان‌ها بتوانند بدون خطر تداخل حاکمیتی و موازی‌کاری، نقش آفرین دیپلماتیک شوند؟ افزون بر این، اجرای طرح «دیپلماسی استانی» بدون سازوکارهای شفاف نظارتی، می‌تواند به شکل‌گیری شبکه‌هایی از فساد محلی بینجامد. تجربه نشان داده که هرگاه نهادهای محلی به طور مستقیم در تعامل با طرف‌های خارجی قرار گرفته‌اند، احتمال شکل‌گیری روابط غیررسمی و الیگارشیک افزایش یافته است. پدیده‌هایی مانند ظهور حلقه‌های اقتصادی قدرتمند در استان‌ها یا شکل‌گیری کانون‌های نفوذ در مرزها که صادق محصولی‌ها را پدید آورد، زنگ خطری است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

وقتی عراقچی در همدان به دنبال معنا می‌گردد

حتی اگر تمام این انتقادات، هشدارها و خطرات ایده دیپلماسی استانی را هم نادیده بگیریم در بهترین حالت باید گفت که ایده وزارت خارجه دولت چهاردهم (دیپلماسی استانی)، طرحی است با نیت خوب، اما طراحی غلط؛ سیاستی نمایشی که بیش از آنکه پاسخی به نیازهای واقعی کشور باشد، تلاشی برای پرکردن خلا کارنامه دیپلماتیک وزارت خارجه به نظر می‌رسد. در شرایطی که وزارت امور خارجه در مهم‌ترین پرونده‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دچار انفعال و بی‌تحرکی است، پرداختن به طرح‌هایی از این دست، نوعی فرار از اولویت‌های واقعی تلقی می‌شود.

حتی اگر سه نشست وزیر خارجه ذیل مفهوم دیپلماسی استانی در شیراز، مشهد و تبریز را بتوان با عنوان‌هایی همچون «استان‌های مرزی» یا «حساسیت‌های ژئوپلیتیکی» توجیه کرد، سفر هفته گذشته عباس عراقچی به همدان دیگر از هیچ منظر دیپلماتیکی قابل دفاع نیست. برگزاری جلسه شورای اداری، افتتاح دفتر نمایندگی وزارت خارجه، بازدید از دانشگاه‌ها یا شرکت در جشنواره مطبوعات، هرچند در ظاهر پررنگ و پویا جلوه می‌کند، ولی هیچ‌کدام در چارچوب وظایف ذاتی وزیر امور خارجه نمی‌گنجد. این قبیل سفرها بیش از آنکه نشانه تحرک دیپلماتیک باشند، بازتاب نوعی سردرگمی در مأموریت نهادی وزارتخانه است؛ گویی دستگاه دیپلماسی در غیاب دستاوردهای واقعی در سیاست خارجی، تلاش دارد با حرکات نمایشی در داخل، خلا کارنامه خود را پر کند. وزارت خارجه‌ای که باید در زوئ و وین فعال باشد، امروز در همدان به دنبال معنا می‌گردد. اکنون بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد که وزارت خارجه به‌جای آزمون سیاست‌های فرعی، به بازتعریف راهبرد کلان سیاست خارجی کشور بپردازد؛ راهبردی که بتواند جایگاه ایران را در معادلات جهانی احیا کند. به تعبیر دیگر، وزارت خارجه باید از دیپلماسی استانی به سمت دیپلماسی ملی بازگردد؛ دیپلماسی‌ای منسجم، مبتنی بر منافع کلان و هماهنگ با سایر نهادهای حاکمیتی. تنها در چنین چارچوبی می‌توان از سیاست خارجی انتظار کارآمدی و اثرگذاری داشت؛ در غیر این صورت، سیاست‌های نمایشی، تنها به تضعیف بیشتر جایگاه وزارت خارجه و افزایش شکاف میان مرکز و پیرامون خواهد انجامید.

نوشدارو بعد از مرگ

از همه این کم‌کاری‌ها و انتقاده‌ها به عراقچی که بگذریم، تازه می‌رسیم به کنایه‌های وزیر خارجه در نشست همدان. بقیثا این اظهارات بیش از آنکه حامل پیام تازه‌ای باشد، بازتابی از تأخیر مزمن در درک موقعیت و مسئولیت است. عراقچی در این نشست با لحنی انتقادی گفت: «اگر شرایط قبل از برجام بد بود، چرا برگشتیم به آن دوران؟ کسانی که باعث قطع‌نامه‌ها شدند باید پاسخ‌گو باشند» و در ادامه افزود: «چه فرقی می‌کند که عامل گنجاندن اسنپ‌پک در برجام ظریف بود یا لاوروف؟ این دردی را دوا می‌کند؟».

اگر به بین خطوط گفته‌های عراقچی نگاه کنیم، نکته اینجاست که طعنه‌های او، اکنون نه «شجاعت» خاصی را می‌طلبد و نه از همه مهم‌تر، «اثرگذار» هستند. عراقچی که در ماه‌های نخست وزارتش به نام شعار ابر «وقایع» از هرگونه موضع‌گیری صریح در برابر جریان‌های تندرو و تحریک خودداری می‌کرد، امروز پس از گذشت بیش از یک سال، در حالی به منتقدان می‌تازد که دیگر نه فضایی برای دفاع باقی مانده است و نه اعتبار سیاسی‌ای برای اقناع.

در شرایطی که کشور با انبوهی از بحران‌های دیپلماتیک، قطع ارتباط با کشورها، سردرگمی در پرونده هسته‌ای، بن‌بست در مذاکرات، بازگشت قطع‌نامه‌ها و... روبه‌روست، وزیر امور خارجه تازہ پادش افتاده از ظرفیت دفاع کند و به مخالفان برجام کنایه داشته باشد؟

گزارش «شرق» از ضعف هاو کاستی‌های مفرط دستگاه سیاست خارجی از دیپلماسی استانی تا موضع گیری‌های دیر هنگام

وزارت خارجه در تور استان گردی



بزند؛ آن‌هم دفاعی نه صریح، بلکه گذرا و سطحی؛ بدون ارائه استدلال یا موضع‌گیری روشن. سکوت طولانی‌مدت او در برابر هجمه‌ها علیه سیاست خارجی و در مقابل، حضور بی‌دربی در همایش‌ها و مراسم‌های فرهنگی، ورزشی و استانی، این تصور را ایجاد کرده که عباس عراقچی، نه در قامت یک وزیر امور خارجه دیپلمات سیاست‌ورز، بلکه در هیئت یک سخنران آیینی ظاهر شده است.

در بحبوحه دوقطبی خطرناک میان تهران و مسکو و جدال رسانه‌ای بر سر سخنان لاوروف و ظریف، انتظار می‌رفت عباس عراقچی به‌عنوان وزیر امور خارجه، نقشی فعال و میانجیگر ایفا کند؛ نه از سر دفاع از فردی خاص یا وفاداری جناحی، بلکه برای حفظ مصالح کلان سیاست خارجی و کاستن از هزینه‌های تنش میان دو کشور. او که در دولت‌های یازدهم و دوازدهم در کنار ظریف رشد کرد و از اعتبار همان دوره به جایگاه فعلی رسید، باید در قامت یک دیپلمات مسئول، این شکاف را مدیریت می‌کرد. اما سکوت طولانی او و بی‌عملی آشکار در لحظه‌ای که افکار عمومی و محافل سیاسی در التهاب بودند، نشان داد عراقچی فاقد جسارت لازم برای وساطت و تصمیم‌گیری‌های پر هزینه است. این انفعال نه‌تنها به تعمیق شکاف سیاسی دامن زد، بلکه موقعیت وزارت خارجه را نیز به حاشیه برد و از آن اقتدار سنتی‌اش تهی کرد.

واقعیت این است که انفعال مداوم در برابر تدروها و حذف‌گران سیاست خارجی، چنان در رفتار وزیر خارجه نهاده‌ینه شده که کنایه‌های او در همدان، نه یادآور اقتدار دیپلماتیک، بلکه نشانه‌ای از واپس‌ماندگی سیاسی است. اگر قرار بود از میراث دیپلماسی دفاع شود، باید در همان روزهایی که همه چیز زیر بار تخریب‌ها بود، صدایی از وزارت خارجه برمی‌خاست؛ نه اکنون که کشور هزینه بی‌عملی را پرداخته است. طعنه‌های امروز عباس عراقچی چیزی نیست جز «نوشدارو بعد از مرگ»؛ آن‌هم در دستگاهی که مرگِ سیاست را با سکوت تجربه کرده است.

وقتی مسائل ساده به تناقض آشکار تبدیل می‌شوند

در میان ضعف‌های آشکار وزارت امور خارجه که به بخشی از آنها اشاره شد، یکی از مهم‌ترین و نگران‌کننده‌ترین کاستی‌ها، ناهماهنگی و تبدیل مسائل ساده به معادلات پیچیده و چندوجهی است. در روزهایی که دستگاه دیپلماسی کشور باید نشانه‌ای از واپس‌ماندگی سیاسی است. اگر قرار بود از میراث دیپلماسی دفاع شود، باید در همان روزهایی که همه چیز زیر بار تخریب‌ها بود، صدایی از وزارت خارجه برمی‌خاست؛ نه اکنون که کشور هزینه بی‌عملی را پرداخته است. طعنه‌های امروز عباس عراقچی چیزی نیست جز «نوشدارو بعد از مرگ»؛ آن‌هم در دستگاهی که مرگِ سیاست را با سکوت تجربه کرده است.

اگر بنا بر ادعای هفته گذشته فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، پیامی از طریق عمان، قطر یا هر کانال دیگری برای گفت‌وگو ارسال شده است، چرا وزارت خارجه بلافاصله آن را تکذیب می‌کند؟ و اگر چنین پیامی وجود نداشته، سخنگوی دولت بر چه مبنایی آن را مطرح کرده است؟ این نوع از دوگانگی، نه نشانه «سیاست ابهام دیپلماتیک» است و نه بخشی از راهبردی هوشمندانه، بلکه گواه آشفتگی ساختاری در هماهنگی میان نهادهای ارتباطی و تصمیم‌سازی دولت است. بدتر آنکه این سردرگمی توسط حامیان وزیر خارجه با توجیهاتی نظیر «پیچیدگی روابط ایران و آمریکا» یا «ضرورت پرهیز از سادسازی رسانه‌ای» توجیه می‌شود؛ درحالی‌که اتفاقاً وزارت خارجه خود عامل اصلی پیچیده‌شدن امور است. اتفاقاً مسئله بسیار ساده و خطی است؛ مذاکره یا انجام می‌شود یا نمی‌شود و ضرورتی ندارد

که هر مسئله ساده‌ای به بحرانی

رسانه‌ای بدل شود. برخی رسانه‌های نزدیک به دستگاه دیپلماسی نیز تلاش کرده‌اند این ناهماهنگی را طبیعی جلوه دهند و آن را ناشی از «فشار شرایط» یا «چندلایه‌بودن پرونده ایران و آمریکا» معرفی کنند؛ اما واقعیت این است که چنین خطاهایی نه ناشی از فشار بیرونی، بلکه حاصل ضعف در مدیریت ارتباطات و ناتوانی در شکل‌دهی به راهبرد اطلاع‌رسانی منسجم است. وقتی وزارت خارجه حتی از مدیریت پیام واحد در موضوعی جزئی عاجز است، چگونه می‌توان انتظار داشت در پرونده‌های کلان‌تری همچون برجام یا مناسبات منطقه‌ای، تصمیم‌سازی مؤثری داشته باشد؟

داشته باشد؟

شرق

امام جمعه قم: با خشک‌سالی مواجهیم توبه کنیم

امام جمعه قم گفت: با خشک‌سالی سنگین مواجه هستیم، باید توبه کنیم و از خواندن دعای ۱۹ صحیفه سجادیه غفلت نکنیم، در کنار آن باید برای غلبه بر کمبودها تلاش کنیم؛ مسئولان هم باید برای حل این مشکلات کمر همت ببندند. آیت‌الله علیرضا اعرافی دیروز در خطبه‌های نماز جمعه قم که در مصلای قدس قم برگزار شد، فضای مجازی، محاسن و معایب آن و آمادگی‌های لازم در خانه، جامعه و نظام حکمرانی نسبت به آن را مورد توجه قرار داد و گفت: خلاقیت، نوآوری، علم‌اندوزی و توسعه مرزهای دانش و فناوری، طبعاً چیز درست و مطلوبی است، اسلام هم در چارچوب ضوابط و قواعدی، ترغیب‌کننده به کسرتش مرزهای دانش، پیشرفت بشر در همه قلمروهای علمی و فناوری و بهره‌گیری از عالم طبیعت است. امام جمعه قم بیان کرد: در منطق اسلام هر اقدامی در توسعه مرزهای تسخیر طبیعت یک فلسفه و فقه و احکامی دارد؛ اصل حرکت علمی بشر در چارچوب قواعد و ضوابط، مطلوب و نشان‌دهنده قدرت خداوند است. وی در ادامه گفت: تسریع در دسترسی به اطلاعات و علوم، ایجاد فضای تبادل برای گردش اطلاعات در سطح ملی و جهانی و ایجاد زمینه‌های پیشرفت در اقتصاد و سایر قلمروها، از محاسنی است که بر فناوری‌های جدید مرتب است. امام جمعه قم تأکید کرد: هر امر مطلوبی آنگاه که درست مدیریت و تدبیر نشود، می‌تواند به پیامدهای منفی و خسارت‌بار بینجامد که یکی از آنها، فضای مجازی و فناوری‌های هوشمند است. معایب و آسیب‌های این قلمرو به دلیل سرعت، شتاب و گستره آن، معایب حساس و مهمی است. وی اظهار کرد: امروز مقالات و تحقیقات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اعتیاد به فضای مجازی و غرق‌شدن در آن، آثار زیان‌بار روحی و روانی تولید می‌کند. دورشدن به‌ویژه نسل جوان از فضای واقعی و فروافتادن در تهاجرنی‌هایی که بنیان اخلاق و زندگی اخلاقی و خانواده را تهدید می‌کند، از این آثار است. مدیر حوزه‌های علمیه افزود: علاوه بر تهدیدهای فردی و خانوادگی، یک تهدید دیگر فضای مجازی نیز متوجه حکمرانی مستقل ملت‌ها شده است. حکمرانان مستعبر عالم، ابزارهایی را به خدمت استقلال تا استقلال ملت‌ها را بگیرند، در آنها نفوذ کنند، ذائقه آنها را در مسائل اجتماعی و سیاسی تغییر دهند، آنها را از استقلال و اعتمادبه‌نفس جدا کنند و در نهایت، آنها را در جریان استیکار جهانی هضم کنند.

امام جمعه قم بر ضرورت هوشمندی و اصلاح نظام تربیتی تأکید کرد و گفت: نظام تربیتی ما در خانه، مدرسه و آموزش و پرورش باید به گونه‌ای باشد که فرزندان ما با این تهدیدها آشنا شوند تا نسل بتواند از فرصت‌های فناوری هوشمند و فضای مجازی بهره‌گیری درستی داشته باشد. این، یک فصل جدید و ساحت جدید در نظام تربیتی است که ما باید در خانه، آموزش و پرورش و نهادهای دیگر آن را تنظیم و اجرا کنیم. وی با اشاره به اهمیت صرفه‌جویی در مصرف آب، برق و گاز یادآور شد: ما با خشک‌سالی سنگین مواجه هستیم، باید توبه کنیم و از خواندن دعای ۱۹ صحیفه سجادیه غفلت نکنیم، در کنار آن باید برای غلبه بر کمبودها تلاش کنیم؛ مسئولان هم باید برای حل این مشکلات کمر همت ببندند اما ما مردم هم باید همکاری کنیم زیرا با درصد کمی از صرفه‌جویی می‌توانیم مشکلات بزرگی را مرتفع کنیم. امام جمعه قم تصریح کرد: ما مطلع هستیم که مسئولان برای مقوله مسکن تلاش می‌کنند اما باید بدانیم که در برابر گناه، اندوه و ناراحتی لازم است و این است که انسان به روش درست تذکر دهد و اقدام کند.